



فقه ۹

کرایش فقه و اصول

درس ۴۹

استاد: حجت الاسلام والمسلمین عظیمی

آموزشیار: آقای صبائی

مقدمه

مطالبی که در این درس به آنها پرداخته می‌شود عبارتند از:

۱. حکم استفاده از روغن متنجس در غیراستصحاب متوقف بر روشن شدن اصل اولی در متنجس می‌باشد.
۲. بنابر نظر شیخ انصاری اصل اولی در متنجس به حکم عقل و نقل، جواز استفاده از آن می‌باشد مگر مواردی که دلیل خاص بر عدم جواز آنها وارد شده است.
۳. گروهی معتقدند سه دسته از ادله (آیات، روایات، اجماع) وجود دارد که حاکم بر حکم عقل و نقل می‌باشد که شیخ انصاری از آیات و بخشی از روایات در جلسه قبل جواب دادند، و در این جلسه به جواب برخی دیگر از روایات و بعضی از اجماعات ادعا شده (اجماع سید مرتضی و شیخ طوسی) می‌پردازند.

متن درس:

و منها: ما دلّ على الأمر بإهراق المائعات الملاقية للنجاسة^١ و القاء ما حول الجامد من الدهن و شبهه و طرحه^٢. وقد تقدّم بعضها في مسألة الدهن، و بعضها الآخر متفرقة، مثل قوله: «يهرق المرق»^٣ و نحو ذلك. و فيه: إنّ طرحها كناية عن عدم الانتفاع بها في الأكل؛ فإنّ ما أمرَ بطرحه من جامد الدهن والزيت يجوز الاستصباح به اجماعاً، فالمراد: اطراحه من ظرف الدهن و ترك الباقي للأكل. و أمّا الإجماعات:

ففي دلالتها على المدعى نظراً، يظهر من ملاحظتها، فإنّ الظاهر من كلام السيّد - المتقدّم - أنّ مورد الاجماع هو نجاسة ما باشره اهل الكتاب، و أمّا حرمة الأكل و الإنتفاع فهي من فروعها المتفرعة على النجاسة، لا أنّ معقد الاجماع حرمة الانتفاع بالنجس؛ فإنّ خلاف باقى الفقهاء في اصل النجاسة في اهل الكتاب، لا في احكام النجس. و أمّا اجماع الخلاف، فالظاهر أنّ معقده ما وقع الخلاف فيه بينه و بين من ذكر من المخالفين؛ اذ فرق بين دعوى الاجماع على محلّ النزاع بعد تحريره، و بين دعواه ابتداءً على الاحكام المذكورات في عنوان المسألة، فإنّ الثانى يشمل الاحكام كلّها، و الاول لا يشمل إلّا الحكم الواقع مورد الخلاف؛ لأنّه الظاهر من قوله: «دليلنا اجماع الفرقة»، فافهم و اغتنم.

^١ وسایل الشیعه ج ١٦ ص ٣٧٦، باب ٤٤ از ابواب اطعمه مجرمه، ح ١

^٢ وسایل الشیعه ج ١٦ ص ٣٧٤، باب ٤٣ از ابواب اطعمه مجرمه

^٣ لفظ الحديث: يهرق مرقها

نقد برخی از ادله استناد شده به عنوان حاکم بر اصالت الجواز

مرحوم شیخ معتقد بودند که اصل اولی در باب انتقاع از متنجس، جواز است، برخی از فقها بر خلاف ایشان با تمسک به برخی از ادله معتقدند اصل اولی در متنجسات عدم جواز و انتقاع است و ادعا کرده‌اند که این ادله بر اصالت الجواز که مدعی مرحوم شیخ است، حکومت دارد. در درس‌های گذشته مرحوم شیخ برخی از این ادله را نقل کردند و بر دلالت آنها بر مدعی طرف مقابل اشکال وارد کردند. در ادامه برخی دیگر از این ادله نقل و نقد می‌شوند.

الف) تمسک به پاره‌ای از روایات

بحث در این رابطه است که آیا می‌توان از روغن متنجس در غیر از استصباح استفاده کرد یا خیر؟ شیخ انصاری فرمودند: برای جواب از این سؤال باید ببینیم که اصل در متنجس، جواز استفاده است یا عدم جواز استفاده؟ که با روشن شدن اصل در متنجس، حکم روغن متنجس هم که یکی از مصادیق متنجس است روشن می‌شود.

شیخ انصاری همانند مشهور معتقدند: اصل اولی در اشیاء از دیدگاه عقل با قطع نظر از دلیل شرعی، اباحه و جواز تصرف است الا ما خرج بالدلیل؛ زیرا: خداوند اشیاء را برای استفاده بشر آفریده، لذا منع از استفاده از آنها معنی ندارد. طبق این اصل، حلیت و جواز مطابق اصل خواهد بود و نیاز به دلیل نمی‌باشد به خلاف حرمت که نیاز به بیان دارد، همچنان‌که مستفاده از ادله نقلیه هم حلیت انتفاع به هر آنچه در زمین است می‌باشند که فرمود: «خلق لکم ما فی الارض جمیعاً»^۱ پس به حکم عقل و نقل اصل اولی در متنجس، جواز انتفاع می‌باشد.^۲

لکن بحثی در اینجا مطرح است که آیا: دلیلی حاکم و مقدم بر این حکم عقل و نقل می‌باشد یا خیر؟ شیخ انصاری می‌فرمایند: سه دسته از ادله (آیات، روایات، اجماع) وجود دارد که تصور شده است مقدم بر این حکم عقل و نقل می‌باشد، لکن پس از بررسی آیات و بخشی از روایات متصوره اثبات گردید هیچکدام بر اصالت الجواز تقدم ندارند، موارد دیگری از اخبار که تصور شده است تقدم بر حکم عقل و نقل دارند، درباره خوراکی‌ها وارد شده، از جمله روایتی است که می‌گوید: اگر مایعی با نجس ملاقات کرد تمام آن دور ریخته شود^۳ و همچنین

^۱ بقره/۲۹

^۲ بیشتر بدانیم: مراد شیخ انصاری از اصل اولی، اصل عملی یعنی برائت و اصل لفظی که از عموماتی مانند: «هو الذی خلق لکم ما فی الارض» استفاده می‌شود، می‌باشد (در محضر شیخ انصاری - آیت الله پایانی ج ۲ ص ۱۳۳)

^۳ بیشتر بدانیم: متن روایت اینگونه است: عن جعفر عن ابیه: «ان علیاً (ع) سئل عن قدر طبخت و اذاً فی القدر فأرة؟ قال: بهراق مرقها و يغسل اللحم و یؤکل» (کافی ج ۶ ص ۲۶۱ ح ۳، وسائل الشیعه ج ۱ ص ۲۰۶ / ابواب ماء المضاف باب ۵ ح ۳) امر امام به دور ریختن آب گوشت دلالت بر حرمت انتفاع دارد والا باید انتفاع از آن به اینکه به کودک خورنده شود یا... جایز باشد. (الموسوعة الامام الخوئی ج ۳۵ ص ۲۰۶)

در روایتی دیگر وارد شده اگر جامدی با نجس ملاقات کرد اطراف نجس را جدا کرده و دور ریخته شود.^۱ برخی از این روایات در مسأله روغن متنجس گذشت و برخی دیگر نیز در مسائل دیگر متفرق هستند. در مجموع امر به طرح و دور انداختن شی متنجس در این روایات صراحت در این مطلب دارد که هیچ نوعی انتفاع و استفاده‌ای از آن جایز نیست.^۲

شیخ انصاری در جواب از این استدلال می‌فرماید:^۳ از اجماع علماء بر جواز استصباح به روغن متنجس استفاده می‌شود که «دور ریختن» به معنای عدم جواز هیچ‌گونه انتفاع نیست، بلکه تنها دلالت بر عدم جواز اکل می‌نماید.^۴

شرح و تطبیق:

و منها: ما دلّ علی الأمر باهراق المائعات الملاقیة للنجاسة و القاء ما حول الجامد من الدهن و شبهه و طرحه. وقد تقدّم بعضها فی مسألة الدهن، و بعضها الآخر متفرقة، مثل قوله: «یهرق المرق» و نحو ذلك.

از جمله اخبار (که قائلین به منع از اصالت جواز، به آن اخبار استدلال کردند) روایاتی است که دلالت بر امر به دور ریختن مایعاتی که ملاقات با نجاست کرده، و امر به جدا کردن اطراف نجس از روغن جامد و مانند آن و دور ریختن آن می‌کنند. و برخی از این روایات در مسأله روغن متنجس گذشت (مانند روایت سعید أعرج) و بعضی دیگر از آن روایات به صورت پراکنده در میان اخبار وجود دارد مانند کلام امام که فرمود: «آبگوشت ملاقات کرده با نجس دور ریخته شود» و مانند آن.

^۱ بیشتر بدانیم: متن روایت اینگونه است: عن ابی جعفر (ع) قال: «إذا وقعت الفأرة فی السمن فماتت فیه، فان کان جامداً فألقها و مایلیها و کُل ما بقی» (وسائل الشیعه ج ۱ ص ۲۰۵، / ابواب الماء المضاف ب ۵ ح ۱)

^۲ بیشتر بدانیم: البته برای تکمیل استدلال به اخبار باید «عدم قول به فصل بین افراد متنجسات» را هم ضمیمه کرد که فرقی بین مصادیق مختلف از متنجس نیست و از حکم یک متنجس که در روایت آمده می‌توان حکم سایر متنجسات را هم بدست آورد (الموسوعة الامام الخوئی ج ۳۵ ص ۲۰۷)

^۳ بیشتر بدانیم: در واقع شی متنجس دارای سه حالت می‌باشد:

۱. تنها منفعت شی متنجس، اکل و شرب آن می‌باشد.

۲. شی متنجس دارای منفعت حلال نادر می‌باشد.

۳. شی متنجس علاوه بر اکل و شرب منافع حلال دیگری هم دارد.

در صورت اول روشن است که باید از متنجس اجتناب کرد.

در صورت دوم هم، اجتناب از متنجس لازم است چرا که ملاک در مالیت داشتن، منافع غالبه یک شی می‌باشد.

پس بحث در صورت سوم است، و شیخ انصاری معتقدند: در اینگونه از متنجس‌ها که دارای منافع گوناگونی می‌باشد، بواسطه تنجس، منفعت اکل و شرب آنها از بین می‌رود ولی جواز سایر منافع به حال خود باقی می‌باشند و شاهد بر این مطلب وجود اجماع بر جواز استصباح بر روغن متنجس می‌باشد.

^۴ بیشتر بدانیم: علاوه بر اجماع، روایات فراوانی هم قبلاً مطرح شد که در آنها حکم به جواز استصباح به روغن متنجس شده است و این روایات شاهی است بر اینکه استفاده و انتفاع از متنجس جایز می‌باشد.

^۵ بیشتر بدانیم: مرحوم خوئی جواب شیخ انصاری را نپذیرفته و می‌فرماید: ظاهر روایت آن است که هیچگونه انتفاعی جایز نیست و اما جواز استصباح به دلیل خاص می‌باشد لذا اصل عدم جواز انتفاع از متنجس را می‌توان از روایت استفاده کرد، لکن اشکالی که بر روایت می‌باشد آن است که: روایت در مقام بیان این مطلب است که روغن متنجس شده به قدری کم است که حتی قابلیت انتفاع برای استصباح را ندارد، لذا از این جهت امام حکم به دور ریختن آن کرده در نتیجه دلالتی بر عدم جواز انتفاع از متنجس ندارد. (الموسوعة الامام الخوئی ج ۳۵ ص ۲۰۷)

و فيه: إنّ طرحها كناية عن عدم الانتفاع بها في الاكل؛ فإنّ ما أمرَ بطرحه من جامد الدّهْن والزَّيْت يجوز الاستصباح به اجماعاً، فالمراد: اطراحه من ظرف الدهن و ترك الباقي للأكل.

اشكال اين استدلال آن است كه: دور ريختن روغن مذکور كناية از عدم استفاده به جهت خوردن می باشد، چرا كه استصباح به وسیله روغن جامد و زيتون جامدی كه امر به دور ريختن آن شده، به اجماع علماء جایز است، پس مراد، دور ريختن روغن مذکور از ظرف روغن و باقی نگهداشتن باقیمانده آن برای خوردن می باشد. (یعنی نباید باقیمانده آن را برای خوردن نگهداری كند)

Sc01: ۹:۰۳

ب) اجماع ادعا شده از طرف سید مرتضی

دسته سوم از ادله ای كه تصوّر شده حاكم بر اصالة الجواز می باشند، ادعای اجماعاتی بود كه شیخ انصاری از سه نفر یعنی سید در «انتصار»، شیخ در كتاب «خلاف» و ابن زهره در «غنية» مطرح كرده اند.^۱

شیخ انصاری هر يك از سه اجماع را به ترتیب ذكر كرده و از آنها جواب می دهند.

اجماع اول، اجماعی است كه مرحوم سید در «انتصار» ادعا كرده است. عبارت سید اینگونه است «و ممّا انفردت به الأمامية أنّ كلّ طعام عالجه اهل الكتاب و من ثبت كفرهم بدليل قاطع لا يجوز أكله و لا الانتفاع به، و اختلف باقي الفقهاء في ذلك» یعنی «هر طعامی كه اهل كتاب یا هر كس كه كفرش به يك دلیل قطعی ثابت شده باشد آن را تهیه كند، خوردن و استفاده از آن جایز نیست. البته اهل تسنن در این نظر با شیعه مخالفت كرده اند».

مطابق كلام «سید مرتضی» جایز نبودن استفاده كردن از طعام اهل كتاب، اجماعی است، لذا با وجود اجماع بر عدم جواز استفاده از متنجس، نوبت به اصالة الجواز (جواز استفاده از متنجس) نمی رسد.

شیخ انصاری در ردّ استدلال به اجماع سید مرتضی می فرماید: در اینجا دو بحث وجود دارد:

۱. اهل كتاب نجس می باشند یا نه؟ كه در صورت اثبات نجاست آنها، طعامی هم كه بدن یا دست كافر با آن برخورد كرده باشد، متنجس خواهد بود.

۲. بر فرض كه اهل كتاب و طعام آنها نجس باشد؛ آیا هر گونه انتفاع از این طعام اعم از اكل و غیراكل حرام است یا تنها انتفاع از این طعام برای اكل حرام است؟

حال اگر ادعای اجماع سید، در مورد بحث دوم بود، مانع از قول به اصالة الجواز می شد چرا كه هر گونه استفاده از نجس را منع می كند، لكن ادعای اجماع سید در مورد بحث اول و اصل نجاست اهل كتاب می باشد و وجود اجماع بر نجاست اهل كتاب، دلالتی بر اینکه هیچ انتفاعی از نجس جایز نیست، ندارد.

^۱ بیشتر بدانیم: مرحوم خوئی در این رابطه فرموده اند: انّ ذلك ممنوع، فانّ الأجماع المنقول ممنوع الحجّية و قد حققناه في علم الاصول (مصباح الاصول ج ۲ ص ۱۵۶)، على أنّ دعوى الاجماع في المسألة موهونة بكثرة المخالفين فيها. و اما الاجماع المحصل على ذلك فهو ممنوع التحقق ايضاً. و يضاف الى ما ذكرنا كلّ أنّه لا ظهور لعبارات الفقهاء المحتوية لنقله في ذلك المدعى. (الموسوعة الامام الخوئي ج ۳۵ ص ۲۱۱)

دلیل بر اینکه اجماع سیدمرتضی در مورد بحث اوّل می‌باشد آن است که: سیدمرتضی در ادامه می‌فرماید: «عامّه در این مسئله اختلاف دارند» و آنچه عامه در آن اختلاف دارند در رابطه با اصل نجاست اهل کتاب می‌باشد نه در مسأله حرمت اکل و انتفاعات دیگر.

شرح و تطبیق

و اما الإجماعات: ففی دلالتها علی المدعی نظر، یتّضح من ملاحظتها، فإنّ الظاهر من کلام السید - المتقدم - أنّ مورد الاجماع هو نجاسة ما باشره اهل الكتاب، و اما حرمة الأكل و الإنتفاع فهی من فروعها المتفرعة علی النجاسة، لا أنّ معقد الاجماع حرمة الانتفاع بالنجس؛ فإنّ خلاف باقی الفقهاء فی اصل النجاسة فی اهل الكتاب، لا فی احکام النجس.

اما اجماعاتی که ادعا شد (که مجموعاً سه اجماع بود) پس در دلالت کردن این اجماعات بر مدعی (یعنی عدم جواز سایر انتفاعات از دهن متنجس) اشکال است که از ملاحظه آنها روشن می‌شود. (اما اجماع سیدمرتضی) پس ظاهر از کلام سید مرتضی (در انتصار) که قبلاً هم کلامش گذشت این است که: مورد اجماع عبارت است از نجاست چیزی که اهل کتاب با آن مباشرت کرده است اما اینکه خوردن و استفاده از آن حرام است، اینها از احکام و فروع نجاست است، نه اینکه موردی که اجماع بر آن واقع شده، حرمت انتفاع به نجس باشد؛ چرا که اختلاف با فقهای عامّه در اصل نجاست اهل کتاب است نه در احکام نجس. (فقهاء عامّه در اصل نجاست مخالفت کرده و گفته‌اند: طعامی که با بدن اهل کتاب برخورد می‌کند اصلاً نجس نیست)

SCO۲: ۱۷:۱۰

ج) اجماع ادعا شده از طرف شیخ طوسی

اما اجماعی که شیخ طوسی در کتاب «خلاف» ادعا کرده، آن اجماع هم مانع از تمسک به اصالة الجواز نمی‌شود؛ زیرا مورد اجماع صورتی است که بین شیخ طوسی و گروهی از عامّه اختلاف وجود دارد، و آن چیزی که بین شیخ و مخالفین مورد خلاف است عبارت است جواز استصباح و عدم جواز استصباح. توضیح مطلب آنکه: شیخ طوسی درباره موشی که در روغن حیوانی، روغن زیتون، شیر و بذر بیفتد و بمیرد سه حکم فرمود است:

۱. استصباح به آن جایز است.

۲. اکلش جایز نیست.

۳. انتفاعات دیگر غیر از استصباح جایز نیست.

سپس نظر شافعی، اصحاب حدیث، ابوحنیفه و ابن داود را مطرح کرده و در آخر می‌فرماید: دلیل ما بر این مدعا اجماع و اخبار فرقه می‌باشد.^۱

^۱ بیشتر بدانیم: متن کلام شیخ طوسی اینگونه است: «إذا ماتت الفأرة فی سمن اوزیت او شیرج او بذر نجس کله، و جاز الاستصباح به، و لا یجوز أکله، و لا الانتفاع به لغير الاستصباح» ثم ذکر المخالفین من العامة و غیرهم، الی ان قال: «دلیلنا اجماع الفرقة و اخبارهم» خلاف ج ۶ ص ۹۱

شیخ انصاری می‌فرماید: اگر شیخ طوسی بلافاصله بعد از این سه حکم گفته بود: «دلیلنا اجماع الفرقه و اخبارهم» این اجماع شامل هر سه حکم می‌شد، یعنی در حقیقت شیخ فرموده بود: هر سه حکم (جواز استصباح، عدم جواز اکل، عدم جواز سایر انتفاعات) اجماعی است و اجماعی بودن حکم سوم مانع از عمل به اصالة الجواز در متنجسات می‌شد.

لکن شیخ طوسی بعد از اینکه سه حکم را بیان می‌کند، نظر دیگران (عامه) را بیان می‌کند، و بعد از نظر دیگران ادعای اجماع می‌کند.

حال با توجه به آنکه عامه دو حکم از سه حکمی را که شیخ طوسی مطرح کرده (یعنی مورد دوم و سوم) قبول دارند و تنها مورد اختلاف «استصباح» (مورد اول) است و شیخ طوسی بعد از بیان مورد اختلاف می‌فرماید: دلیل ما اجماع است، روشن می‌شود معقد و محلّ اجماع، همان مورد اول یعنی جواز یا عدم جواز استصباح به روغن متنجس می‌باشد. در نتیجه اجماع شیخ طوسی هم مانع از عمل به اصالة الجواز در متنجس‌ها نمی‌باشد.^۱

شرح و تطبیق

و أمّا اجماع الخلاف، فالظاهر أنّ معقده ما وقع الخلاف فيه بينه وبين من ذكر من المخالفين؛ اذ فرق بين دعوى الاجماع على محلّ النزاع بعد تحريره، وبين دعواه ابتداءً على الاحكام المذكورات في عنوان المسألة، فإنّ الثاني يشمل الاحكام كلّها، و الاول لا يشمل إلّا الحكم الواقع مورد للخلاف؛ لأنّه الظاهر من قوله: «دلیلنا اجماع الفرقه»، فافهم و اغتنم.

اما اجماعی که در کتاب «خلاف» بیان شده است، ظاهراً مورد آن صورتی است که در مورد آن اختلاف واقع شده بین شیخ طوسی و بین کسانی از مخالفین که شیخ نام آنها را برده است (که مورد اختلاف عبارت است از جواز استصباح و یا عدم جواز استصباح)

(اگر کسی بگوید: اجماع بر هر سه حکم است که یکی از آنها عدم جواز سایر انتفاعات است تا بدین وسیله اجماع بر عدم جواز از متنجس را ثابت کند در جواب خواهیم گفت:) فرق است بین اینکه ادعای اجماع شود بر محل نزاع بعد از بیان نزاع، و بین آنکه ادعای اجماع همان ابتدا بر احکامی که در عنوان مسأله ذکر شده، بیاید.

پس اجماع صورت دوم، شامل تمام احکام می‌شود، ولی در صورت اول، اجماع شامل نمی‌شود مگر آن حکمی را که مورد اختلاف واقع شده است. (یعنی همان جواز استصباح و عدم جواز استصباح) چرا که ظاهر از جمله «دلیلنا اجماع الفرقه» بیان صورتی است که محل اختلاف است. پس درک کن و غنیمت دان.

SC03: ۲۸:۳۵

^۱ بیشتر بدانیم: مرحوم خوئی در رابطه با جواب شیخ انصاری می‌فرماید: انّ ما افاده و ان كان صحيحاً بحسب الكبرى؛ إلّا انه خلاف ما يظهر من كلام الشيخ (ره) فان ظاهره دعوى الاجماع على جميع الاحكام المذكورة (الموسوعة الامام الخوئي ج ۳۵ ص ۲۱۳) مرحوم خوئی از ادعای اجماع شیخ طوسی اینگونه جواب می‌دهند که: اگر اجماع شیخ طوسی را بپذیریم تنها دلالت بر وجود اجماع در مورد روغن متنجس می‌کند زیرا که قدر متیقن از اجماع همین مورد است لذا سایر متنجسات را شامل نمی‌شود. (الموسوعة الامام الخوئي ج ۳۵ ص ۲۱۲)

چکیده

۱. بنابر نظر شیخ انصاری اصل اولی در متنجس به حکم عقل و نقل جواز استفاده از متنجس می‌باشد مگر در مواردی که دلیل خاصی بر عدم جواز انتفاع از آنها وارد شده است.
۲. گروهی از علماء بر این باورند که ادله‌ای (از آیات، روایات و اجماعات) وجود دارد که حاکم بر این اصل اولی می‌باشد، و در نتیجه معتقد به اصل عدم جواز انتفاع به متنجس می‌باشند.
۳. شیخ انصاری می‌فرماید: هیچ یکی از ادله‌ای که به عنوان حاکم بر اصل جواز انتفاع از متنجس معرفی می‌کنند تمام نیست.
۴. قائلین به عدم جواز انتفاع از متنجس به روایتی استناد کرده‌اند که می‌گویند: «اگر مایعی با نجسی ملاقات کرد تمام آن دور ریخته می‌شود» یا «اگر جامدی با نجس ملاقات کرد اطراف نجس را جدا کرده و دور ریخته شود» که دور ریختن کنایه از عدم جواز انتفاع می‌باشد.
- شیخ انصاری از این استدلال جواب می‌دهند: در متنجساتی که دارای منافع گوناگون می‌باشند به واسطه تنجس تنها منفعت اکل و شرب آنها از بین می‌رود ولی سایر منافع بر جواز خود باقی می‌باشد.
۵. از جمله ادله‌ای که قائلین به عدم جواز از متنجس به آن استناد کرده‌اند اجماعات سیدمرتضی در «انتصار»، شیخ طوسی در «خلاف».
۶. شیخ انصاری از اجماع سیدمرتضی اینگونه جواب می‌دهند: اجماع ایشان در رابطه با اصل نجاست اهل کتاب است نه احکام نجس.
۷. شیخ انصاری از اجماع شیخ طوسی هم اینگونه جواب می‌دهند: با توجه به اینکه شیخ طوسی سه حکم (۱). جواز استصباح ۲. عدم جواز اکل ۳. عدم جواز انتفاعات مگر استصباح) را بیان کرده و بعد از آن نظر عامه را مطرح و ادعای اجماع کرده‌اند، و با توجه به آنکه حکم دوم و سوم مورد قبول عامه می‌باشد، فهمیده می‌شود ادعای ایشان در مقابل عامه در مورد صورتی است که بین شیعه و عامه در رابطه با آن اختلاف وجود دارد و آن تنها همان صورت اول می‌باشد، بلکه اگر مورد اجماع صورت سوم بود، ادعای اجماع شیخ طوسی تمام بود.